

## فراز و فرود های سیاست تقنینی جرایم اقتصادی و فساد مالی و سیاست های جنایی اتخاذی مبارزه با آن در ایران

شهرام روشندل

مدرس دانشگاه، پژوهشگر دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، عضو رسمی مرکز وکلا، کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضاییه

### چکیده

این مقاله به بررسی سیاست تقنینی جرایم اقتصادی و فسادهای مالی در ایران و راهکارهای پیشگیری از آنها به روش توصیفی و تحلیلی می پردازد. جرایم اقتصادی یکی از چالش های جوامع در جهان کنونی بویژه در کشورهای در حال توسعه می باشد که امنیت کشورها را مورد تهدید قرار می دهد. گسترش جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده و جریان عمومی امور را به مخاطره می اندازد. جرایم اقتصادی و فساد در ایران به یکی از معضلات بسیار بزرگ کشور تبدیل شده و اهمیت برخورد با جرایم اقتصادی بیش از پیش نمایان است. یک قانون اگر به گونه ای وضع شود که مقبولیت و امکان اجرا در آن لحاظ نشود در این صورت وضع آن، به منزله دعوت عمومی به نقض قانون است. قابل اجرا بودن یک قانون به عوامل مختلفی از جمله لحاظ شرایط زمانی و مکانی در تصویب یک قانون، قابلیت انعطاف پذیری و بازدارندگی همراه با تغییرات و دگرگونی در موضوع، و پذیرش عمومی بستگی دارد. گاه تلاش برای دور زدن یک قانون آن را از قابلیت اجرا خارج می کند. چالش هایی از قبیل عدم تعریف جرم اقتصادی و بالطبع عدم تعیین مصادیق آن، پراکندگی و بعضاً نامناسب بودن قوانین، هماهنگی و ارتباط ضعیف بین نهادهای مسئول پیشگیری و مبارزه با جرایم اقتصادی، ضعف آمار و اطلاعات و... در پیشگیری و کنترل جرایم اقتصادی و مبارزه با آن وجود دارد. یافته ها و نتایج بیانگر این است که جرم انگاری جرایم اقتصادی یکی از ابزارها و مکانیزمهای سیاست جنایی هر کشور در مقابله با بزهکاری و انحرافات اقتصادی است که اگر بر اساس سیاستی معقول و منطقی و مبانی مستحکمی صورت نگیرد نه تنها نتیجه مطلوب به دست نخواهد داد بلکه خود موجب پیدا شدن معضلات اقتصادی و اجتماعی بسیاری خواهد شد سیاست جنایی تقنینی هسته اصلی سیاست جنایی کشور است و بی شک جرایم اقتصادی موجب ایراد خسارتهای جبران ناپذیری به روابط مالی مردم با همدیگر و مردم با دولت می شوند و به بنای حکومت نیز لطمه وارد می کند.

واژه های کلیدی: جرایم اقتصادی و فساد مالی، سیاست تقنینی، سیاست جنایی، ایران

## ۱- مقدمه

نقش و هدف اصلی سیاست جنایی در یک جامعه، کنترل موثر جرم و مهار پدیده های مجرمانه است. جرایم اقتصادی به خاطر تاثیر گذار بودن بر تمام سطوح جامعه، یکی از مسائل چالش برانگیز در جهان می باشند. که کشور ایران مستثنی نخواهد بود. فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیب های عدیده، نسبت به نظام های اقتصادی سایر کشورها، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می کند، گسترش جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده و جرایم عمومی امور را به مخاطره می اندازد (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۸۲) بدلیل اهمیت موضوع جرایم اقتصادی، تحلیل سیاست جنایی در مورد جرایم اقتصادی در همه ی ابعاد آن اعم از تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی ضروری است. سیاست جنایی ایران در خصوص جرایم اقتصادی، به شکلی افتراقی نسبت با سایر جرایم می باشد. نخستین تصور از افتراقی شدن دادرسی اختصاصی شدن دادگاهها باشد. اما چنین برداشتی با حقوق و آزادیهای بشری و اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که فقط دادرسی و دادگاه نظامی را به عنوان دادگاه اختصاصی پذیرفته است در تعارض است. از این رو، باید گفت افتراقی شدن ناظر به تشدید، تفرق و جزیره ای شدن دادرسی است (اسدی، ۱۳۹۹: ۳۳) توجیه رسیدگی کیفی افتراقی جرایم اقتصادی با لحاظ سه مؤلفه و با سه معیار اصلی سنجیده می شود. سه مؤلفه حاکم بر جرایم اقتصادی عبارت هستند از: نخست، جرایم اقتصادی جرایمی اصیل نیستند و با ویژگی عارضی از جرایم عمومی تشکیل می شوند. دوم، جرایم اقتصادی در ایران رابطه ای تنگاتنگ با امنیت ملی دارند. اقتصاد عموماً دولتی و شبه دولتی در ایران و رویکرد متضاد با بازار آزاد سبب شده است جرم اقتصادی عموماً جرم امنیتی هم تلقی شود. سوم، جرایم اقتصادی در مفهوم شکلی و ساختاری (نه ماهوی) عموماً بر رویکرد جهانی و وارداتی استوار هستند. سه معیار برای توجیه افتراقی سازی رسیدگی کیفی جرایم اقتصادی مطرح می شوند. هدف پژوهش آسیب شناسی رویکرد سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی می باشد. در جرایم اقتصادی معمولاً در مقایسه با سیاست کیفری سایر جرایم، پیشگیرانه تر، سختگیرانه تر، بازدارنده تر، دقیقتر و فنی تر هستند. برای نمونه، جرایمی نظیر جاسوسی و مبارزه با مواد مخدر در گذشته و جرم اقتصادی در یکی دو دهه اخیر را به سبب آثار زیانبار و گستردهای که دارند در قالب جرایم خاص قرار میدهند (بهره مند، ۱۳۹۶: ۹۷). در واقع سیاست جنایی را به منزله ی تدابیر مواجهه با جرم تلقی کنیم، هیچ حکومتی در طول تاریخ فاقد سیاست جنایی نبوده است؛ زیرا به هر حال در مقابل جرم، واکنش خاصی داشته است. حتی عدم واکنش نیز خود نوعی سیاست جنایی است (باباخانی، ۱۴۰۱: ۶۸). در تعبیر خانم دلماس مارتی، سیاست جنایی عبارت است از «مجموعه پاسخی که هیات الاجتماع اعم از دولت و جامعه محلی به پدیده ی مجرمانه سامان می بخشد.» (دلماس مارتی، ۱۳۸۵: ۲۱۱) هدف اصلی سیاست جنایی در یک جامعه، کنترل موثر بزهکاری و مهار پدیده های مجرمانه است. هدف از سیاست جنایی در حوزه اقتصاد، مبارزه با فساد و جرائم اقتصادی است. دولت ها همواره تلاش دارند با سیاستگذاری و اجرای برنامه های گوناگون، خود را در حوزه اقتصاد کارآمد جلوه دهند؛ چراکه آرامش و ثبات اقتصادی بعنوان مهمترین و مبنایی ترین مولفه امنیت مورد توجه قرار می گیرد. (کلانتری، ۱۳۹۷: ۱۶۰) بر اساس این تعریف، جرم اقتصادی هر فعل یا ترک فعلی است که به قصد ضربه زدن به ارزش های اقتصادی، نظام اقتصادی کشور را مختل کند» (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۷) در مقابل، برخی معتقدند آن دسته از جرایمی که علیه اقتصاد کشور انجام می شود یا با این نیت صورت می گیرد و یا در عمل نظام اقتصادی کشور را مختل می کند، جرایم اقتصادی محسوب می شود (پاک نیت، ۱۳۹۶: ۵) بواقع جرایم اقتصادی موجب اختلال و بی ثباتی اقتصادی می شود. مجرمان اقتصادی عواید حاصل از جرم را با

درآمدهای قانونی مخلوط کرده و با در دست داشتن امکانات مالی، هزینه تولید محصولات خود را کاهش داده و رقبای دیگر را که فعالیت قانونی دارند از صحنه رقابت خارج می کنند (معمدی و مستوفی، ۱۳۹۸ : ۹۸). اصولاً جرایم اقتصادی ویژگیهایی به این شرح دارند و تا حدی گسترده تر از جرایم کسب و کار هستند: ۱- در قالب تجارت و فعالیت های حرفه ای به طور عمده عاملان به دنبال سود است ۲- به صورت یک مجموعه یا سیستم منسجم و سازمان یافته رفتار می کند ۳- باید با استفاده از فعالیت های تجاری، صنعتی و فنی، قانونی و حرفه ای صورت بگیرد ۴- مرتکبین به طور کلی و نه الزاماً از یک موقعیت یا قدرت اجتماعی یا سیاسی یا هر دو برخوردارند. فساد در نظام اقتصادی جرمی است که سال هاست محور سیاست های قانونگذاری ایران بوده است، اما شتابزدگی قانونگذار در تدوین قوانین مرتبط مانع از آن شده است که سیاست جنایی منسجم و قاطعی را در این زمینه دنبال کند. بنابراین موفقیت در امر پیشگیری از جرایم مرتبط با جرایم اقتصادی منوط به مشارکت تمامی کنشگران جامعه مدنی است. روند تحولات قانونگذاری جرم یقه سفید در دهه های مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی حاکی از آن است که به رغم تکرار ارتکاب جرایم سنگین یقه سفید در طول این سالها، مقررات ناظر بر این جرایم تغییرات نامتوازی را تجربه کرده است. در برخی زمینه ها و برخی ادوار، شدت عمل بسیار بالا و در دوره های دیگر واکنش های بسیار خفیفی نسب به جرایم یقه سفید اعمال شده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۳۲۱)

#### ۱-۱- اهمیت طرح بحث

جرایم اقتصادی یکی از چالش های جامعه امروزی مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه است که امنیت کشورها را مورد تهدید قرار می دهد. توسعه جرایم اقتصادی موجب جلوگیری دولت به اهداف ملی در زمینه امنیت اقتصادی شده و روند عمومی امور را به خطر می اندازد. جرایم اقتصادی و فساد در کشور ما به یکی از معضلات بسیار بزرگ تبدیل شده است. امروزه اقتصاد نقش کلیدی و مهمی را در زندگی بشر ایفا می کند. به همین علت مبارزه با مفاسد اقتصادی از جایگاه ویژه و منحصر به فردی برخوردار می باشد. برای جرایم اقتصادی عناوین گسترده ای همچون مفاسد اقتصادی و اصطلاح جرایم سازمان یافته و... به کار می برند. این نوع جرایم جنبه ی فراملی دارند به همین علت می باشد که، از سال ۲۰۰۰ تاکنون در سطح سازمان ملل متحد دو کنوانسیون پالمو و مریدا به تصویب درآمده است که موضوع آنها شامل جرایم اقتصادی و مالی می باشد. از آنجا که حجم عظیمی از اقتصاد زیرزمینی در ایران به دلیل میزان تحمل جامعه در برابر فساد در دستگاه های دولتی و استفاده از دستگاه های نامشروع برای کسب منافع بیشتر روبه افزایش است ارائه سازوکارهای سیاست جنایی لازم و ضروری می باشد م در نتیجه اهمیت برخورد با جرایم اقتصادی بیش از پیش نمایان است. چالش هایی از قبیل عدم تعریف جرم اقتصادی و بالطبع عدم تعیین مصادیق آن، نابسامان بودن و بعضاً نامناسب بودن قوانین، هماهنگی و ارتباط ضعیف بین نهادهای مسئول جلوگیری و مبارزه با جرائم اقتصادی، ضعف آمار و اطلاعات و غیره در جلوگیری و کنترل جرائم اقتصادی و مبارز با آن وجود دارد. جرایم اقتصادی یکی از چالش های جوامع در جهان کنونی بویژه در کشورهای در حال توسعه است که امنیت کشورها را مورد تهدید قرار می دهد. گسترش جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده و جریان عمومی امور را به مخاطره می اندازد و اهمیت و ضرورت این تحقیق را دو رچندان می کند.

#### ۱-۲- پیشینه بحث

اصطلاح فساد از سالها و یا قرنهای پیش کاربرد وسیعی داشته است. رابرت بروکس در مقاله منتشر شده خود راجع به موضوع فساد در آمریکا از فساد به عنوان سوء اجرا و یا سهل انگاری در انجام وظیفه معین و یا به کار بردن نابه جای قدرت یا انگیزه به دست آوردن منفعت شخصی نام برده است حداقل از ۱۹۳۱ میلادی فساد اغلب به عنوان سوء استفاده از قدرت عمومی برای

منفعت خصوصی به کار رفته است مایکل کلارک بعد از بیان این مطلب آن را یک توافق نسبتاً جمعی از معنای فساد عنوان میکند؛ هر چند قضاوت در مورد این که چه وقت قدرت عمومی برای منافع شخصی مورد استفاده قرار میگیرد منوط به اخلاق و برداشت سیاسی هر زمان است تعریف فساد به سوء استفاده از موقعیت و شغل عمومی برای منفعت شخصی تعریفی است که مورد پذیرش بانک جهانی نیز واقع شده است. در این میان در حالی که عده ای وجود انگیزه پولی و مالی را جزء ارکان ضروری فساد میدانند و حتی در مقام تعریف به بیان رشوه می پردازند کما اینکه هنوز هم هر زمان صحبت از فساد به میان می آید به دنبال آن همیشه از رشوه نام رده میشود از نظر عده ای دیگر مفهوم فساد تا حدی وسیع است که هر گونه سوء استفاده از مقام حتی اغیبت از محل کار را نیز شامل میشود اختلاف نظرها در باب مفهوم فساد در سطح بین المللی نیز نمایان است؛ در حالی که کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد دقیقاً به لحاظ همین اختلاف در معانی تعریفی از فساد ارائه نداده و فساد را شامل دو بخش دولتی و خصوصی کرده است بانک جهانی با تعریف فساد به سوء استفاده از منصب عمومی برای منفعت شخصی رای منفعت شخصی آن را محدود به بخش عمومی و دولتی دانسته است.

## ۲- مفاهیم

### ۱-۲- فساد در اصطلاح حقوقی

اگر چه باید گفت معنی اصطلاحی فساد که متخصصان فن برای آن واژه فساد را وضع کرده اند از معنی لغوی آن دور نیست اختلاف و تشتت در آن بسیار است تقریباً همه تأکید کرده اند که امکان ارائه به تعریف جامع و مانع که در برگیرنده همه موارد باید مشکل است؛ این مشکل بودن در تعریف به حدی است که حتی برخی با اطمینان اظهار داشته اند، متخصصان فن هرگز در مورد یک تعریف واحد به توافق نخواهند رسید. برخی نیز با بیان یک تعریف مبتنی بر دور خود را از درگیری بیشتر در این بحث راحت کرده اند؛ با بیان اینکه فساد چیزی است که فساد نامیده می شود گروهی دیگر بر این باورند که واژه فساد یک لغت است با معانی بسیار که هر یک از این معانی بر اساس محیط و متن سیاسی و اجتماعی خاصی که این لفظ در آن استعمال می شود به کار میرود بر این اساس برخی معتقدند دو مکتب فکر مهم در مورد فساد وجود دارد. (تدین، ۱۳۹۸: ۳۴)

### ۲-۲- مفهوم جرایم اقتصادی<sup>۱</sup>

مرتکبان جرایم اقتصادی در جرم شناسی با عنوان «یقه سفیدها شناخته می شوند که به طور معمول نه از اقشار عادی جامعه، ب که از اشخاص حرفه ای، متخصص، دارای ضریب هوشی بالا، ذی نفوذ، دارای موقعیت اجتماعی و اقتصادی مهمی نیز در جامعه هستند (حبیب زاده: ۱۳۹۴: ۴۵) جرایم اقتصادی در اصطلاح عبارتند از جرایمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می یابند یا به این قصد انجام می شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می شوند. جرم اقتصادی جرمی نیست که ویژگی اقتصادی داشته باشد، بلکه جرمی است که آثار و تبعات سوء اقتصادی داشته باشد. جرایم اقتصادی از اصطلاحات علم حقوق بوده و به معنای رفتار و اعمال مجرمانه یا جرایمی هستند که تاثیر به سزایی در نظام اقتصادی دارند. اختلال در نظام اقتصادی از مهم ترین ویژگی های جرایم اقتصادی است. تعدادی از جرایم مالی اگر در سطح گسترده و با هدف ضربه زدن به اقتصاد و نظام اقتصادی ارتکاب یابد می توانند جرایم اقتصادی تلقی شوند. برخی از مهم ترین جرایم اقتصادی عبارتند از: قاچاق کالا و ارز، پولشویی، احتکار، ربا و رباخواری و رشوه و ارتشا. (خدائیان، ۱۳۹۴: ۱۳۴)

<sup>۱</sup>-Economic offences

## ۳-۲ - تفاوت با جرایم علیه اموال

تفاوت جرایم اقتصادی با جرایم علیه اموال از نظر موضوع، هدف جرم‌انگاری، بزه‌دیده، تأثیر گذشت شاکی در آن و گستره بین‌المللی است. (خدائیان، ۱۳۹۴: ۱۵۳)

### ۳-۲-۱- از نظر موضوع

موضوع جرایم اقتصادی، کلیت جامعه و اختلال در نظم اقتصادی کشور است در حالی که جرایم علیه اموال، علیه حقوق مالکانه یا علیه خود مال ارتکاب می‌یابند. (خدائیان، پیشین: ۱۵۴)

### ۳-۲-۲- از نظر هدف جرم‌انگاری

هدف از جرم‌انگاری جرایم اقتصادی، حمایت کیفری از نظام اقتصادی کشور است و هدف از جرم‌انگاری جرایم علیه اموال، حمایت کیفری از حریم مالکیت خصوصی یا عمومی است. (خدائیان، پیشین: ۱۵۵)

### ۳-۲-۳- از نظر بزه‌دیده

آثار جرایم اقتصادی دامن‌گیر اکثریت افراد جامعه می‌شود و متضرر این جرایم عموم مردم هستند؛ در حالی که متضرر جرایم علیه اموال، شخص یا اشخاص معین هستند. (خدائیان، پیشین: ۱۵۴)

### ۳-۲-۴- از نظر تأثیر گذشت شاکی در آن

جرایم اقتصادی به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی آن عمدتاً غیر قابل گذشت محسوب می‌شوند در حالی که برخی از جرایم علیه اموال غیر قابل گذشت و برخی دیگر قابل گذشت هستند. به همین دلیل، تعقیب و محاکمه مرتکبین جرایم اقتصادی منوط به طرح شکایت توسط شاکی خصوصی نیست و دادسرا به طور مستقیم مکلف به تعقیب متهم است. (خدائیان، پیشین: ۱۵۶)

### ۳-۲-۵- از نظر گستره بین‌المللی

برخی از جرایم اقتصادی مانند پولشویی از جمله جرایم سازمان یافته و بین‌المللی محسوب می‌شوند که در کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌اند و معاضدت و همکاری بین‌المللی برای مبارزه با آن‌ها پیش‌بینی شده است؛ در صورتی که جرایم علیه اموال عمدتاً جنبه داخلی داشته و جرم بین‌المللی به حساب نمی‌آیند. باید توجه داشت که در برخی مواقع، گستردگی جرایم علیه اموال باعث می‌شود که در نظام اقتصادی کشور اختلال ایجاد کند و به تبع آن عنوان جرم اقتصادی را کسب نماید. (خدائیان، پیشین: ۱۵۶)

## ۳-چالش‌ها و تبعات جرایم یقه سفید و فسادهای مالی

در یک تقسیم‌بندی جرایم به دو دسته تقسیم می‌شوند: جرایم یقه چرکین و جرایم یقه سفید. جرایم یقه چرکین که بزعم جرم‌شناسیها حجم بالای زندانهای ما را تشکیل می‌دهد و جرایم یقه سفید که به جرایم فسفری مغزی مشهور است اصولاً بدلیل نفوذ سیاسی و اجتماعی در پناه قدرت، دستگاه قضایی قدرت دستگیری و محاکمه آنها را ندارد اصولاً این افراد خود به نوعی در تدوین قوانین و جرم‌انگاری و حتی جرم‌زدایی‌ها نقش بسزایی دارند برخی از نظریه پردازان باور دارند. (عباسی، ۱۳۹۵: ۸۷) ایجاد نظام حقوقی نظارتی برای متخلفین صاحب قدرت- ثروت، مانع ایجاد آثار ننگ آور و اعمال ضمانت اجرایی سنگین کیفری که نوعاً در مورد مجرمین خیابانی اعمال می‌گردد، می‌شود. نامگذاری این تخلفات در قالب نقض مقررات، موجب میشود جرایم این طبقه از جامعه، اگرچه زبان‌هایی به مراتب شدیدتر از آسیب‌های جسمانی و مالی جرایم خیابانی داشته باشند، خفیف‌تر از زیان‌های جرایم واقعی به نظر برسند.

نظریه پردازان جرم شناسی به نقش تفکیک ها و طبقه بندی های موجود در نظریه های مرسوم میان شهرنشین و حاشیه نشین، فقر و غنی و... در قضاوت های نسبت به افراد اشاره می نمایند و مدعی اند این تقسیم بندی ها فاقد واقعیت های عینی و خارجی بوده و بر ساخته ی ذهن طراحان آن ها می باشد. بر این اساس، طبقه بندی افراد بر پایه ی نگرش های ذهنی موجود در گفتمان غالب، صورت می گیرد و در نتیجه برخی از رفتارها بدون توجیه، نامشروع و جرم شناخته شده و مرتکبین آن ها مجرم تلقی و طرد می شوند. بارزترین مصادیق این موضوع را می توان در رویکرد موجود در نظریه های راست جدید و دیدگاه های نومحافظه کاران مشاهده نمود. در نظریه های مذکور به جای اندیشیدن در مورد راهکارهای برای زدودن فقر و نابرابری در میان اقشار پایین جامعه، فقر این افراد، به عنوان عامل جرم معرفی می گردد. این نظریه های جدید فیزیک در علوم

طبیعی تردیدها و ابهامات مختلفی را نسبت به پیش فرض های موجود در دوران مدرن به همراه داشت. (ورزاد، ۱۳۸۹: ۵۱)

در تحلیل جرم شناسان تاکنون بیشتر به جرایم حوزه ی فرهنگ و اخلاق پرداخته اند و جرایم یقه سفید کم تر در پژوهش های جرم شناسان جایگاهی داشته است. جرم یقه سفید که اولین بار توسط ساترلند وارد ادبیات جرم شناسی شده است، به جرایمی اشاره دارد که به طبقات اجتماعی بالای سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی تعلق دارد و مرتکبین آن اغلب با بهره مندی از قدرت و نفوذ یا نبوغ و مهارت بالای خود دست به ارتکاب آن جرایم می زنند. جرایم مذکور طیف وسیعی دارند و جرایمی همچون کلاهبرداری، اختلاس، ارتشا، جرایم حوزه بورس، بانک ها، بیمه و... از جمله مشهورترین مصادیق آن محسوب می گردد. جرم شناسان پسامدرن تحلیل های جدیدی نسبت به جرایم یقه سفید ارائه می کنند که پیش از آن در نظریات جرم شناسی سنتی توجه چندانی به آن نشده است؛ تحلیل هایی که به درک بهتر وضعیت جرایم یقه سفید کمک می کند و پیشنهادهای جالبی به منظور بهبود شرایط حاکم بر وضعیت موجود این حوزه ارائه می نماید. در این میان جرایم یقه سفید بخش قابل اعتنایی از دیدگاه های موجود در نظریات انتقادی را به خود اختصاص داده است. دیدگاه های مرتبط با جرایم یقه سفید در نظریات انتقادی به نوعی استمرار دیدگاه های مارکسیستی در این زمینه است و عمدتاً ناظر بر چگونگی اثرگذاری نظام سرمایه داری بر عملکرد سطوح مختلف نهادهای متولی عدالت با این موارد می باشد. نظریه پردازان انتقادی در دو بعد به آثار سرمایه داری در این زمینه پرداخته اند؛ اول، تأثیر نظام سرمایه داری در فراهم نمودن فرصت برای بزهکاری شرکت ها و دوم، فراهم آوردن توجیه برای اعمال نشدن قوانین کیفری در حوزه ی جرایم یقه سفید.

پژوهش گران بر این باورند که نظام سرمایه داری فرصت هایی را برای تحقق جرایم صاحبان قدرت فراهم می کند؛ برای مثال شرکت های بزرگ به ویژه شرکت های چند ملیتی در موقعیت هایی قرار دارند که از آن منافع اقتصادی فراوانی به دست می آورند؛ در حالی که این اقدامات به قیمت نابودی ضعیف ترین اقشار جامعه و محیط زیست حاصل می شوند. در عین حال شرکت های مزبور با توجه به قدرت اقتصادی خود می توانند مانع اجرای موثر قوانینی که با هدف مهار قدرت آن ها تصویب شده اند، شوند. از سوی دیگر برخی از نظریه پردازان انتقادی معتقدند، جرم انگاری یا اعمال ضمانت اجراهای قانونی در خصوص این شرکت ها در عمل ارزش چندانی ندارد زیرا دولت ها با توجه به نیازهای اقتصادی خود همواره به دنبال حفظ روابط حسنه ی خود با آن شرکت ها هستند. (یوسفیان، ۱۳۹۶: ۷۲)

### ۳-۱- زیان های مادی و جسمی جرایم یقه سفید

حامیان رویکرد حداکثری فراتر از زیان های اقتصادی جرایم یقه سفید به زیان های جرایم به جسم و روح افراد نیز اشاره می کنند. اگرچه به طور معمول جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد با جرایم خیابانی پیوند مستقیم دارند، شمار قابل توجهی از تلفات و مرگ و میر، سالانه کشورهای مختلف به جرایم یقه سفید نسبت داده می شود. در نتیجه ی نقض مقررات ایمنی محل

کار و قوانین زیست- محیطی هزاران نفر جان خود را از دست می دهند، صدها هزار مجروح یا تحت تأثیر عوامل مذکور بیمار می شوند. تولید و توزیع کالاها و محصولات ناسالم از دیگران عوامل تهدیدکننده سلامت افراد می باشد. مواد غذایی ناسالم، اسباب بازی ها، داروها و تجهیزات پزشکی خارج از استاندارد بیشترین سهم در ورود آسیب های جسمی را به خود اختصاص می دهند. برخلاف جرایم علیه مصرف کنندگان و نقض مقررات کاری که بزهدیدگان مشخصی دارند، نقض مقررات زیست محیطی، همه اقشار جامعه را تحت تأثیر قرار می دهند. (میر سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۶۰)

### ۳-۲- زیان های اجتماعی - اخلاقی جرایم یقه سفید

طرفداران رویکرد حداکثری بر این باورند، جرایم یقه سفید همچون جرایم خیابانی هزینه های اجتماعی و اخلاقی به بار می آورند و چه بسا این موارد خسارت های زیان بارتی به جامعه تحمیل می نماید آن ها مدعی اند، جرایم یقه سفید با از بین بردن اعتماد مردم نسبت به مشروعیت دولت ها و نیز منصفانه بودن فعالیت های اقتصادی، به فضای اخلاقی جامعه آسیب وارد می کنند. این جرایم با کاشتن بذر بی اعتمادی در سطح جامعه، توانایی بازار در کاهش هزینه های کالاها و خدمات و ارتقای سطح کارآمدی رقابت های تجاری را کاهش می دهد. همچنین این آسیب ها ممکن است به نهادهای سیاسی نیز سرایت نماید. جرم شناسان معتقدند انتشار اخبار جرایم یقه سفید در سطح جامعه به ویژه زمانی که دستگاه های قضایی نسبت به ارتکاب این جرایم در مقایسه یا دیگر جرایم برخوردارهای متفاوتی نشان دهند، می تواند بر میزان مشروعیت دولت در میان افکار عمومی تأثیرگذار باشد. از منظر این رویکرد، مهمترین آسیب جرایم یقه سفید، همین تبعات غیرمستقیم ولی سنگینی است که بر فضای عمومی جامعه تأثیر می گذارد، اعتماد مردم از نهادهای عمومی را سلب می نماید، حس بدبینی را در میان اقشار جامعه گسترش می دهد و در نهایت موجب ناامیدی افراد جامعه از دستیابی به اهداف خود در زندگی ایجاد حس بیگانگی میان مردم و دولت می گردد. (میر سعیدی، پیشین: ۱۶۷)

### ۴- فراز و فرود های جرم انگاری جرایم یقه سفید در قانون مجازات اسلامی

با عنایت به اختلاس ها و فسادهای کلان دهه یاخیر کشورمان، بررسی فراز و فرود های قانون مجازات اسلامی در جرم انگاری جرایم یقه سفید خالی از فایده نیست. قانونگذار در ماده ۱۴۳ قانون مجازات سال ۹۲ صراحتاً و علی الاطلاق مسئولیت اشخاص حقوقی را با احراز برخی شرایط پیش بینی نموده است. به علاوه مواد ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ این قانون نیز به تفکیک و با ذکر جزئیات، نوع و کیفیت اعمال مجازات های تعزیری نسبت به این اشخاص را تبیین نموده است این اقدام قانونگذاری گامی بزرگ در مسیر شناسایی مسئولیت کیفری مجرمین یقه سفید به ویژه مرتکبین جرائم شرکتی است. همچنین ماده ۲۸۶ این قانون با گسترش نامحدود دامنه ی جرم افساد فی الارض در زمینه ی جرایم اقتصادی که موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می شوند، زمینه ی اعمال شدیدترین مجازات ممکن یعنی، اعدام را برای این جرایم فراهم نموده است. روند تحولات قانونگذاری جرم یقه سفید در دهه های مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی حاکی از آن است که به رغم تکرار ارتکاب جرایم سنگین یقه سفید در طول این سالها، مقررات ناظر بر این جرایم تغییرات نامتوازی را تجربه کرده است. در برخی زمینه ها و برخی ادوار، شدت عمل بسیار بالا و در دوره های دیگر واکنش های بسیار خفیفی نسب به جرایم یقه سفید اعمال شده است. این نوع تغییر عملکرد و واکنش های نامتناسب قانونگذار به جرایم یقه سفید، به طرز مشهودی در فرایند تصویب دو قانون مجازات اختلال گران در نظام اقتصادی و مبارزه با پولشویی به چشم می خورد.

گرچه نقش متغیرهای بیرونی از جمله حوادث و اتفاقات پیش بینی نشده در به تصویب رسیدن برخی از قوانین ناظر بر جرایم یقه سفید، از جمله اضافه شدن یک بند به قانون مجازات اختلال گران در نظام اقتصادی کشور به منظور جلوگیری از ترویج و

فعالیت شرکت های هرمی (۸۴) و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (۹۲) تأثیرگذار بوده اند، به نظر می رسد تصویب این قوانین محصول تحولات مقطعی و پاسخی زودگذر به تشدید مطالبات عمومی است؛ بنابراین معمولاً این قوانین فرصت مناسبی برای اجرایی شدن، پیدا نمی کنند. (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۹)

در مقابل با بهره گیری از آموزه های جرم شناسی به نظر می رسد، در طول سالهای مختلف قانون گذاری رسمی در کشور ما، عامل انسانی و نقشی جدی و پررنگ، در تحولات قوانین ناظر بر جرایم یقه سفید ایفا نموده است. نگرش های کلی و مبانی حاکم بر عملکرد دستگاه های مرتبط با قانونگذاری و نظارت بر جرایم یقه سفید در خلال دوره های مختلف، فعالانه و به لحاظ کمی و کیفی بر مصوبات قانونی این حوزه تأثیرگذار بوده است. دستگاه های مذکور با توجه به سیاست ها و اهدافی که دنبال می کردند و امکانات و ابزارهایی که برای این منظور در اختیار داشته اند، بر تصویب قوانین این حوزه اثر گذاشته اند. (قهرمانی، ۱۳۹۸: ۷۶)

(جدول قوانین تصویب شده پس از انقلاب اسلامی در زمینه جرایم یقه سفید)

دهه ی شصت	دهه هفتاد	دهه ی هشتاد
۱	قانون رسیدگی به تخلفات اداری (۷۱)	قانون نظام صنفی کشور (۸۲)
۲	قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخائر جنگلی کشور (۷۱)	قانون تجارت الکترونیکی (۸۲)
۳	قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی (۷۲)	قانون الحاق یک بند و یک تبصره به ماده ۱ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور ۶۹ (جرم انگاری فعالیت شرکت های هرمی) (۸۴)
۴	قانون رسیدگی به تخلفات اداری (۷۲)	قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمون های سراسری (۸۴)
۵	قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیتهای غیرمجاز می نمایند (۷۲)	قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو (۸۶)
۶	قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل (۷۳)	قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیرمجاز می نمایند. (۸۶)
۷	قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا (۷۴)	قانون مبارزه با پولشویی (۸۶)
۸	قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و	قانون جرایم رایانه ای (۸۸)



	پزشکی و... مصوب ۱۳۳۴(۶۷)	باغها (۷۴)	
۹	قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و... ۶۸	کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدنده(۷۵))	قانون حفاظت از دریاها و رودخانه های قابل کشتیرانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی (۸۹)
۱۰	قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور(۶۹)		قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد( ۹۰)

بر این اساس ضمن پذیرش مبانی جرم شناسی از جمله بر ساخت گرایبی اجتماعی در تحولات قوانین ناظر بر جرایم یقه سفید، به نظر می رسد، عامل انسانی تأثیرگذار در تحولات قانونی جرایم یقه سفید در کشور ما در دهه های اخیر، عمدتاً اراده ی مسئولین در قوای مختلف حکومتی و نگرش های مختلف ان ها نسبت به مسایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به صورت عام و جرایم یقه سفید به صورت خاص است. به عبارت دیگر رویکردهای مختلف در بین دولت ها، مسئولین قوه ی قضاییه و نمایندگان مجلس نسبت به مسایل کشور و نحوه ی برنامه ریزی و عملکرد آن ها در تصمیم- گیریها، تهیه لوایح و طرح ها، اظهارنظرها، موضع گیری های آن ها، تقدم و تأخر بخشی به سیاست ها و اهداف کلان کشور و...، به عنوان مهمترین عامل در شکل دهی به گفتمان ناظر بر جرایم یقه سفید در کشور ما عمل کرده است.(ابراهیمی، پیشین، ۴۹)

در عین با توجه به حضور و فعالیت گروه های ناهمسو، از جمله در قوای مختلف حکومتی همچنین حضور فراکسیون های مختلف در مجلس شورای اسلامی که ضمن برخورداری از امکانات تأثیرگذاری بر قوانین و مقررات، هر یک دیدگاه های مختلفی ارائه می کرده اند، تقریباً در همه دوره ها نوعی نزاع گفتمانی میان گروه های مذکور به چشم می خورد که در مسایل مختلف به تقابل و چانه زنی با یکدیگر پرداخته و هر یک در برخی موارد توفیقاتی به دست آورده در سایر موضوعات با شکست مواجه شده اند. تصویب برخی قوانین در مورد یقه سفیدان در برخی مقاطع، که با رویکرد کلی گفتمان حاکم بر دولت، قوه ی قضائیه یا مجلس تغایر و تناقضی دارد، مثلاً ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲، شاهدهی بر همین ادعاست. باید توجه داشت، تفاوت عملکرد گفتمانی در ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه با کشورهای توسعه یافته، صرفاً جنبه ساختاری ندارد، بلکه اختلاف های شدیدی از نظر نوع اهداف و محتوای گفتمان های متنازع نیز در این زمینه وجود دارد. در حالی که در کشورهای توسعه یافته نزاع بر سر حفظ جایگاه اقتصادی در سطح بین المللی و افزایش منافع اقتصادی و سیاسی در مقابل افزایش خدمات و توجه بیشتر به حقوق مصرف کنندگان، کارگران و محیط زیست است، در کشورها در حال توسعه نزاع میان تلاش برای رفع موانع و دست یابی به برخی شاخص های اولیه توسعه و رشد اقتصادی در مقابل تلاش برای حفظ حیات و دست یابی به حقوق اولیه ی مصرف کنندگان و کارگران است. این تفاوت رویکردها به روشنی در منازعات گفتمان های رقیب در فرآیند تصویب قوانین ناظر بر جرایم یقه سفید در کشور ما محسوس بوده است. لازم به ذکر است با توجه به رویکرد انتقادی جرم شناسی، روند تصویب قوانین نسبت به جرایم یقه سفید در کشور در دهه های اخیر، به رغم تجربه فراز و فرودهای مختلف، توجه چندانی به حقوق مصرف کنندگان، کارگران و محیط زیست نداشته است. در دهه ی اول انقلاب بیشتر توجهات به جرایم یقه سفید با ویژگی امنیتی و مخل به نظام اقتصادی بود. در دهه ی دوم توجه به رشد و توسعه اقتصادی تا حدودی موجب کمرنگ شدن کمی و کیفی قوانین ناظر بر جرایم یقه سفید بود و در دهه ی سوم نیز به رغم توجه بیشتر به

این حوزه ها و حدود برخی پیش رفت ها، با توجه به فقدان رویکرد و برنامه ای منسجم، نتایج قابل قبولی در این زمینه حاصل نشده است. از سوی دیگر تمرکز قوه قضائیه بر جرایم خیابانی و جرایم کلان یقه سفید و در مقابل در پیش گرفتن سیاست های جرم زدایی، کیفرزدایی و قضاودایی در قوانین، بخش نامه و لوایح پیشنهادی در زمینه ی جرایم یقه سفیدی که حقوق مصرف کنندگان و محیط زیست را آماج زبان های خود مقرر می دهند، موجب شده است، حتی بری عناوین مجرمانه موجود ناظر بر جرایم علیه مصرف کنندگان و محیط زیست نیز با قرار گرفتن در چارچوب برنامه های فوق به تدریج از اندک حمایت های کیفری فعلی نیز، بی بهره شوند. (نیازپور، ۱۳۹۸: ۲۳۱)

جدیدترین تحولات قانونی ناظر بر جرایم یقه سفید از سال ۱۳۹۰ به این سو نیز، ضمن تأیید تأثیر گفتمان های حاکم بر روند تصویب قوانین این حوزه، به صورت تلویحی از یک حقیقت دیگر نیز حکایت می کند؛ وجود رویکردهای پراکنده و نامنجم در قانونگذاری، تمرکز بر دیدگاه های فرد محور و نبود نگرش های سیستمی به موضوع جرایم یقه سفید در گفتمان های موجود در کشور، موجب گردیده با وجود قرارگیری در دهه ی چهارم انقلاب اسلامی و تجربه کردن حوادث تلخی همچون پرونده های کلان فساد اقتصادی، برنامه های منسجم و کارآمدی به منظور مقابله و کنترل جرایم یقه سفید ارائه نشده و چشم انداز روشنی نیز در این زمینه قابل ترسیم نباشد. بنابراین در حوزه جرایم یقه سفید همخوانی و انطباقی با تفکر جرم شناسی نداریم؛ چرا که هنوز تمرکزمان بر جرایم یقه آبی و خیابانی است. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۸۷)

با توجه به پیشگفته و خطرات ناشی از جرایم یقه سفید، چرا قانونگذار تکیه خود را بصورت گزینشی و جهت دار بر روی جرایم یقه چرکین معطوف کرده است. آیا بهتر نبود بجای انواع جرایم یقه چرکین، طراحی درستی نسبت به جرایم یقه سفید تنظیم میکرد؟ دلیل این همه مواد قانونی راجع به افراد طبقه پایین جامعه چیست؟ تعریف قانونی جرم توضیح نمی دهد چرا انواع خاصی از رفتارها انتخاب و جرم تلقی می شود و بوسیله قانون قابل مجازات اعلام می شود. در حالیکه رفتارهای مشابه و حتی مساوی غیر مجرمانه تلقی می شوند و تبعاً غیرقابل مجازات می باشند؟ در قانون مجازات اسلامی مکرراً جرم سرقت را در انحای مختلف طرح کرده است در حالیکه انتظار میرفت با وجود فسادهای کلان مالی و اختلاس های اخیر کلاهبرداری و جرایم مرتبط در سیاهه ی قوانین قرار می گرفتند. (فیروزجانی، ۱۳۸۴: ۹۲)

انواع سرقت در قانون مجازات اسلامی

ماده ۶۵۱-هر گاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد مرتکب از پنج تا بیست سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می گردد:

۱- سرقت در شب واقع شده باشد.

۲- سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.

۳- یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند.

تبصره- منظور از سلاح مذکور در این بند موارد ذیل می باشد:

۱- انواع اسلحه گرم از قبیل تفنگ و نارنجک

۲- انواع اسلحه سرد از قبیل قمه، شمشیر، کاردف چاقو و پنجه بوکس.

۳- انواع اسلحه سرد جنگی مشتمل بر کاردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران یا مشابه آنها و سرنیزه های قابل نصب بر روی تفنگ.

۴- انواع اسلحه شکاری شامل تفنگ های ساچمه زنی، تفنگ های مخصوص بیهوش کردن جانداران و تفنگ های ویژه شکار حیوانات آبی.

۵- از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا این که عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا بر خلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشند.

۶- در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشند.

در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون به یکی از شرایط زیر باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود:

۱- سرقت در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا در توابع آن یا در محل های عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیر اینها واقع شده باشد.

۲- سرقت در جایی واقع شده باشد که به واسطه درخت و یا بوته یا پرچین یا نرده محرز بوده و سارق حرز را شکسته باشد.

۳- در صورتی که سرقت در شب واقع شده باشد.

۴- سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.

۵- سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا منزل دیگری که به اتفاق مخدوم به آن جا رفته یا شاگرد یا کارگر بوده و یا در محلی که معمولاً محل کار وی بوده از قبیل خانه، دکان، کارگاه، کارخانه و انبار سرقت نموده باشد.

۶- هر گاه اداره کنندگان هتل و مسافرخانه و کاروانسرا و کاروان و به طور کلی کسانی که به اقتضای شغل اموالی در دسترس آنان است تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند.

ماده ۶۵۷- هر کس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف زنی، جیب بری و امثال آن شود به حبس از یک تا پنج سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۵۸- هر گاه سرقت سیل یا زلزله زده یا جنگی یا آتش سوزی یا در محل تصادف صورت پذیرد و حایز شرایط حد نباشد، مرتکب به مجازات حبس از یک تا پنج سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۵۹- هر کس وسایل و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده - هزینه دولت یا با سرمایه دولت یا سرمایه ی مشترک دولت و بخش غیر دولتی یا به وسیله ی نهادها و سازمانهای عمومی غیر دولتی یا مؤسسات خیریه عمومی که به ایجاد یا نصب شده مانند تأسیسات بهره برداری آب و برق و گاز و غیره سرقت نماید به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود و چنانچه مرتکب از کارکنان سازمان های مربوطه باشد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۱- در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در مواد فوق نباشد مجازات مرتکب، حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود.

ماده ۶۶۲- هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قراین اطمینان آور به اینکه مال در نتیجه ی ارتکاب سرقت به دست آمده است آن را به نحوی از انحا به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه ی قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می گردد.

ماده ۲۷۸- حد سرقت به شرح زیر است:

الف- در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.

ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.  
پ- در مرتبه سوم، حبس ابد است.

ت- در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد.

## ۵- راهبرد سیاست جنایی یا قضایی یا مشارکتی در مفاصد اقتصادی ایران

در سیاست قضایی ایران مهمترین چالش‌ها در رویارویی با جرایم موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور، تعدد مراجع رسیدگی کننده، تفاسیر و برداشت‌های دوگانه‌ی دادگاه‌های رسیدگی کننده از عبارات و واژه‌های مذکور در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ شمسی و همچنین نبود دادسرا و دادگاه‌های تخصصی در سطح استان‌های کشور، جهت انجام تحقیقات و رسیدگی تخصصی به این گونه جرائم است (لکی، ۱۳۹۸: ۱۷). همچنین بدلیل مصلحت‌گرایی نیز موجب خدشه به اصل ۲۰ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۰ «همه افراد در برابر قانون مساوی اند.» گردیده است. لذا می‌توان گفت از دلایلی که در سال‌های اخیر جرایم اقتصادی در ایران روند صعودی داشته‌اند، سیاست مصلحت‌اندیشی و احتیاطی نظام قضایی و نظارتی جمهوری اسلامی ایران در برخورد قانونی با برخی اشخاص، نهادها و سازمان‌هایی است که مرتکب این گونه جرایم می‌شوند. در واقع عدم قاطعیت نهادها و دستگاه‌های نظارتی موجب نفوذ مفسدان اقتصادی به درون نظام اجرایی، قضایی و تقنینی کشور شده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۲۷۹-۲۸۰). لذا ضرورت دارد سیاست قضایی ایران با تشبیه مجرم و شفاف‌سازی عملکرد دستگاه قضایی با انتشار حکم محکومیت قطعی مجرمین، ممنوعیت اعمال نهادهای ارفاقی تعویقی و تعلیقی و سکوت در خصوص سایر نهادهای ارفاقی مانند نظام نیمه آزادی، معافیت از مجازات، آزادی الکترونیکی و همچنین تعمیم زمانی سرزنش‌پذیری بواسطه‌ی منع اعمال قاعده مرور زمان اقدام نماید (حسنی، ۱۳۹۲: ۸۷). پاسخ‌های عوام‌گراانه و پوپولیستی که منجر به عملکرد مقطعی و در پاسخ به فشارهای اجتماعی می‌گردد. در سیاست اتخاذ شده، تأکید و توجه بر حمایت از بزه‌دیده جرم است و به حقوق متهم التفاتی نگردیده است (مهدوی پور، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

سیاست جنایی مشارکتی در گستره جرائم اقتصادی با هدف بررسی جرائم اقتصادی و نقش مشارکتی مردم و سازمان‌های مردم نهاد به‌عنوان سیاست‌های جنایی مشارکتی صورت پذیرفته است. لذا سیاست جنایی را نمی‌توان صرفاً در پاسخ‌های تنبیهی نسبت به جرم و در قالب حقوق کیفری و آئین دادرسی کیفری محدود نمود بلکه رویکرد بازدارنده و پیشگیرانه نقش عمده‌ای در تبیین سیاست جنایی ایفاء می‌نماید. بویژه اینکه جرائم اقتصادی کلان از جمله جرائمی هستند که مجرمین با شیوه و شگردهای پیچیده و بعضاً با استفاده از قدرت و نفوذ خود در بدنه حکومت، مرتکب آن می‌شوند که بدین لحاظ شناخت و بکارگیری تدابیر پیشگیرانه توسط قانونگذار کارآمدتر از تدابیر سرکوب‌گرایانه جلوه می‌کند. اگرچه موفقیت در امر پیشگیری منوط به مشارکت تمامی کنشگران جامعه مدنی است. (حسنی، ۱۳۹۲: ۶۹) تهیه‌کنندگان قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری از اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی در تهیه و تدوین این قوانین به دنبال تحقق اهدافی هستند که درنهایت به حل مشکلات نظام عدالت کیفری کشور ختم شده است. اجرای موفقیت‌آمیز این قوانین و رسیدن به اهداف موردنظر سیاست جنایی مشارکتی مستلزم شناخت مبانی و آثار مشارکت مردم و همچنین بسترهای لازم برای اجرایی نمودن سیاست‌های مشارکتی مقنن در قوانین یادشده است به‌ویژه اینکه هر دو قانون نو پا بوده و این احتمال وجود دارد که اعمال سیاست‌های مشارکتی مقنن با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه است. که این امر می‌تواند ضرورت بررسی سیاست جنایی مشارکتی را در

پرتو این قوانین توجیه نماید. نظام عدالت کیفری ایران نیز تحت تأثیر تحولات علوم جنایی، توسعه‌ی مفهوم حقوق بشر و با الهام از مبانی دینی و فقهی به مصادیق متعددی از سیاست جنایی مشارکتی در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری اشاره نموده است. دستیابی به موفقیت در زمینه‌ی مشارکت مردمی در قلمرو عدالت کیفری منوط به پیش شرط‌هایی از جمله تحولات ساختاری در نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و شناخت و درک صحیح از مبانی و آثاری است که در اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی وجود دارد. (زمانی، ۱۳۹۱: ۷۳۷) در خصوص سیاست جنایی اجرایی، نتیجه‌ی مهم دیگر آن است که سیاسی شدن تأمین امنیت در برابر جرایم اقتصادی می‌تواند آثار مخربی را در پی داشته باشد که از جمله مهمترین آنها مصلحتی شدن مقابله با برخی از جرایم اقتصادی و معاف دانستن برخی مرتکبان از این سیاست کیفری می‌باشند. این موضوع در بند ۶ از فرمان هشت بندی مقام معظم رهبری مصوب سال ۱۳۸۰ نیز آمده است. طبق این بند: «در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود، هیچ کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثناء شود. هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند با عذر و انتصاب به اینجانب و یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب کشی معاف بشمارد و با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد.» (زمانی، ۱۳۹۱: ۸۴) لذا برقراری ارتباط متقابل میان تمام نهادهای مرتبط با پیاده سازی سیاست جنایی و همسو سازی سیاستهای کیفری، قضایی، مشارکتی و اجرایی از جمله پیشنهادات اساسی است تا به موجب آن بتوان نسبت به ایجاد انسجام در یک سیاست جنایی کارآمد با جرایم اقتصادی اقدام نمود. علاوه بر این، ناپیوستگی در مطالعات حقوقی نظام مند در تدوین سیاست جنایی ضرورتی دوچندان دارد و یک سیاست بدون مطالعه‌های اصولی متخصصان به منصفه عملیاتی شدن نمیرسد. زیرا به نظر میرسد که گاه سیاستهای کیفری شتابزده، بدون توجه به پهنه‌ی کلی سیاست جنایی، اگرچه بتوانند مسکن موقتی بر ضررهای اقتصادی هنگفت مردم تلقی شوند، اما در طولانی مدت سودی را نمی‌تواند جبران متضرران از جرایم اقتصادی را بنماید.

### نتیجه گیری

قانون مجازات اسلامی برای نخستین بار به روش «تبیین حصری مصادیق» مفهومی از جرم اقتصادی ارائه کرده است. که تا حدودی می‌توان گفت مصادیقی از جرایم اقتصادی بیان شده است. انتقادی که بر جرایم اقتصادی در سیاست کیفری کنونی ایران وارد است این مطلب است که برخی از جرایم مانند جرایم حوزه بازار اوراق بهادار از شمول تعریف خارج مانده اند و برخی از جرایم که صبغه اقتصادی ندارند و تنها می‌توانند با جرایم اقتصادی ارتباطی داشته باشند، مانند اعلام نکردن وقوع این جرایم از سوی مقامات رسمی، داخل در جرایم اقتصادی قرار گرفته اند. برخلاف حقوق فرانسه، در سیاست کیفری ایران، دبه ویژه از منظر حقوق شکلی، رویکرد منسجم و منظمی نداشته و رژیم افتراقی برای مبارزه با این جرایم در نظر گرفته نشده است و با وجود تصریح به «دادرسی ویژه جرایم اقتصادی» در ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری که در ماهیت تخصصی است و صلاحیت ذاتی ندارد، دادگاه اختصاصی برای این جرایم پیش بینی نشده است. جرم انگاری جرایم اقتصادی یکی از ابزارها و مکانیزمهای سیاست جنایی هر کشور در مقابله با بزهکاری و انحرافات اقتصادی است که اگر بر اساس سیاستی معقول و منطقی و مبانی مستحکمی صورت نگیرد نه تنها نتیجه مطلوب به دست نخواهد داد بلکه خود موجب پیدا شدن معضلات اقتصادی و اجتماعی بسیاری خواهد شد سیاست جنایی تقنینی هسته اصلی سیاست جنایی کشور است و در قبال جرائم اقتصادی ماموریت جرم انگاری؛ ارباب، تنبیه و ناتوان سازی مجرمین در مقابله با پدیده‌های مجرمانه اقتصادی بر عهده دارد جرایم اقتصادی موجب ایراد خسارتهای جبران ناپذیری به روابط مالی مردم با همدیگر و مردم با دولت می‌شوند و به بنای حکومت نیز لطمه وارد می‌کند. به این ترتیب جرم انگاری جرائم اقتصادی مستلزم سیاست جنایی تقنینی منسجم هوشمندانه

و عاری از عیب و نقص بیشتر از پیش احساس می شود انتقادی که بر جرایم اقتصادی در سیاست کیفری کنونی ایران وارد است این مطلب است که برخی از جرایم مانند جرایم حوزه بازار اوراق بهادار از شمول تعریف خارج مانده اند و برخی از جرایم که صبغه اقتصادی ندارند و تنها می توانند با جرایم اقتصادی ارتباطی داشته باشند مانند اعلام نکردن وقوع این جرایم از سوی مقامات، رسمی داخل در جرایم اقتصادی قرار گرفته اند.

## منابع

۱. ابراهیمی شهرام و صادق نژاد نایینی مجید (۱۳۹۲) تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی فصلنامه پژوهش حقوق، کیفری سال دوم، شماره پنجم
۲. ابرند آبادی، علی حسین؛ (۱۳۹۰) مجموعه تقریرات جرم شناسی، تهران: انتشارات شهید بهشتی.
۳. اسدی، حمید (۱۳۹۹) الگوی پاسخ دهی به جرایم و تخلفات بورسی از روشهای عدالت کیفری سنتی تنظیم گری، اقتصادی، رساله دکتری رشته فقه و حقوق جزا دانشگاه خوارزمی
۴. باباخانی عرفان و، رستمی هادی (۱۴۰۱) رسیدگی افتراقی به جرایم اقتصادی در حقوق ایران و فرانسه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب ۹ (۳۱) ۶۲-۳۱
۵. بهره مند، حمید (۱۳۹۶) آسیب شناسی قوانین مربوط به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران، چاپ اول: تهران انتشارات قوه قضائیه علوم
۶. پاک نیت مصطفی (۱۳۹۶) افتراقی شدن آیین دادرسی، کیفری چاپ اول، تهران بنیاد حقوق میزان
۷. تدین عباس و باقری، نژاد، زینب (۱۳۹۸) اصول حاکم بر دادرسی کیفری اقتصادی دانشنامه جنایی، اقتصادی به کوشش امیر حسن نیاز، پور چاپ دوم، تهران بنیاد حقوقی میزان
۸. خدائیان چگینی، ذبیح الله. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرایم اقتصادی فصلنامه مطالعات حقوقی، ۴ (۲)
۹. خدایان چگینی ذبیح الله. (۱۳۹۱) تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۱۰. حبیب زاده اصحاب و، شریف، شهری میرکاظم (۱۳۹۴). نقش رسانه ها (مطبوعات) در مبارزه با جرایم اقتصادی فصلنامه علمی پژوهشهای اطلاعاتی جنایی ۱۰ (۳۷) ۵۵۷۸
۱۱. زمانی، سیدقاسم، ۱۳۹۱ مقاله جایگاه اصل آزادی در حقوق بین المللی عرفی، گروه مطالعات حقوقی صدا و سیما تهران: سروش
۱۲. حسنی، جعفر و، مهر، نسرین نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دوره ۲، شماره ۳ بهار و تابستان ۱۳۹۴، جلیلیان مهدی و عطارزاده سعید. (۱۳۹۴) تحلیل شناختی جرایم اقتصادی، فصلنامه علم
۱۳. عباسی حمید (۱۳۹۵) سیاست کیفری ایران نسبت به جرائم اقتصادی تحقیقات جدید در علوم، انسانی دور دوم، شماره ۴
۱۴. فیروزجانی مختار (۱۳۸۴). قاچاق کالا و ارز چاپ اول، تهران: انتشارات قانون

۱۵. قهرمانی مجتبی و سایبانی علیرضا (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی دادگاههای ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی ایران با تأکید بر اصل حتمیت اجرای مجازاتها فصلنامه پژوهش حقوق کیفری سال هفتم شماره ۲۷
۱۶. کلانتری کیومرث و جعفریان سوته سید حسن (۱۳۹۷) افتراقی سازی فرآیند کشف و تعقیب جرایم اقتصادی با تأکید بر حقوق ایران سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، به کوشش - امیر حسن نیازپور چاپ، اول، تهران بنیاد حقوقی. میزان
۱۷. لکی زینب (۱۳۹۸) مجتمع قضایی ویژه جرایم اقتصادی دانشنامه علوم جنایی، اقتصادی به کوشش امیر حسن، نیازپور چاپ، دوم تهران بنیاد حقوقی میزان
۱۸. محسنی فرید (۱۳۹۸) جرم، اقتصادی، دانشنامه علوم جنایی، اقتصادی به کوشش امیر حسن نیازپور چاپ، دوم تهران بنیاد حقوقی میزان
۱۹. مهدوی پور، اعظم (۱۳۸۹) افتراقی شدن سیاست کیفری در قلمرو جرایم اقتصادی، رساله، دکتری رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران
۲۰. میر سعیدی سید منصور و زمانی محمود (۱۳۹۲) جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه فصلنامه پژوهش حقوق کیفری دوره دوم شماره ۴
۲۱. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۲) جرایم علیه اموال و مالکیت چاپ سی و پنجم تهران بنیاد حقوقی میزان
۲۲. نیازپور امیر حسن. (۱۳۹۸) آیین دادرسی کیفری، اقتصادی چاپ اول تهران بنیاد حقوقی. میزان
۲۳. ورزاد مجتبی (۱۳۸۹). جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران چاپ اول تهران انتشارات جنگل
۲۴. یوسفیان شوره، دلی، عباس (۱۳۹۶) حمایت کیفری از حاکمیت قانون در قلمرو اقتصادی ( مطالعه تطبیقی

## The ups and downs of the legislative policy of economic crimes and financial corruption and the criminal policies adopted to combat it in Iran.

---

### Abstract

This article examines the legislative policy of economic crimes and financial corruption in Iran and the strategies to prevent them in a descriptive and analytical way. Economic crimes are one of the challenges of societies in the current world, especially in developing countries, which threaten the security of countries. The spread of economic crimes prevents the government from achieving national goals in the field of economic security and endangers the general flow of affairs. Economic crimes and corruption in Iran have become one of the country's biggest problems, and the importance of dealing with economic crimes is more evident than ever. If a law is enacted in such a way that the acceptability and possibility of implementation are not included in it, then its enactment is tantamount to public invitation to violate the law. The applicability of a law depends on various factors, including the temporal and spatial conditions in passing a law, flexibility and deterrence along with changes and transformations in the subject, and public acceptance. Sometimes trying to get around a rule makes it unenforceable. Challenges such as the lack of definition of economic crime and, of course, the lack of determination of its examples, the dispersion and sometimes inappropriateness of laws, poor coordination and communication between the institutions responsible for preventing and fighting economic crimes, the weakness of statistics and information, etc. in the prevention and control of economic crimes and There is a fight against it. The findings and results show that the criminalization of economic crimes is one of the tools and mechanisms of the criminal policy of every country in dealing with crime and economic deviations, which if it is not based on a reasonable and logical policy and solid foundations, not only will it not yield the desired results. Rather, it will cause many economic and social problems. Legal criminal policy is the core of the country's criminal policy, and no doubt, economic crimes cause irreparable damage to people's financial relations with each other and people with the government, and the government is also damaged. he does.

**key words:**Economic crimes and financial corruption, legislative policy, criminal policy, Iran

---